

عنوان کتاب مکمل فیضان

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE520

صالحین

در بیان فضیلت و مناقب ائمه هدی علیهم السلام

۱۲۰
۵۲۰

چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم
چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم
چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم

چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم
چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم
چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم

چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم
چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم
چون صاحب فضل و کمال و کمالی است که در این عالم



بسم الله الرحمن الرحيم

همی گوید ابو نصر فرامی
به توفیق خداوند الهی

خسید خافیه و خفید خایه ما حرکت الشمال النحل الذقیق
تحرکت الشمال النحل الذقیق که صنبان را پیش از تعلم

رغبت می آید با شعار فارسی چون خوش آمدن شعر طبعهای

موزون را عزیز نیست و تعلم لغت کلید همه علمهاست پس

قدری از وی نظم کردم تا بی تکلف یاد گیرند و چند بیت که ضابطه

بود و هر خبری را از علوم متفرقه در میان این قطعه آوردم تا

بنو شمن و خواندن این نسخه هر کسی را رغبت افتد چون این مجموعه

دو بیت و بیست بیت آمد آنرا نصاب الصبیهان نام کردم

القطعة الاولى فی بحر التقارب المثنی المقصور

نصایح صنیان
لقد انشأ هذا الكتاب
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم
وسيلة للخلاص والنجاة
والمعرفة بالحق والرب
العليم الخبير
والله اعلم بالصواب

به بحر تقارب تقرب نما
 فحول فحول فحول فحول
 اله است و الله و الرحمن خدای
 سدا آسمان ارض و غیر زمین
 سقر و فرخ و نار آتش و لی
 ریشش فحاشه و وجه روی
 شفت لب لسان چوبان فم
 فز لب و لعل سر و سرخ رین
 ربل مرد و مرده زن و زوج حبت
 ففات ست کای ز غلب آب و ن
 کران عود بر لب و سر سره رود
 همی راستی کذب و فیه دروغ
 بلد کوره را سهر و ان شمس ماه
 شمن چپ بها و بجار و شنی
 همچون شور چشم و لید است کین

برین وزن میزان طبع آزمای
 چو گفتی گبوا می میرد لریا
 دلیل ست و مادی تو کور مهنای
 محل و مکان و معان ست جای
 که جنت بهشت آت ان سیرای
 فخران عجب پشته ریل پای
 یار و چارحه دست معلوم و نای
 بهیر است جرس چه درای
 غمی مالدار است و شکین گدای
 چو نبوغ چشمه حیات ست لای
 ولی چنگ چنگ ست و مزار نای
 عقیق و حصو و وایع پارسای
 و گرو تر اطاق و ان طاق نای
 شور ست ویل و بود ویل ای
 بود لودعی المی تیر سیرای

در این وزن میزان طبع آزمای
 چو گفتی گبوا می میرد لریا
 دلیل ست و مادی تو کور مهنای
 محل و مکان و معان ست جای
 که جنت بهشت آت ان سیرای
 فخران عجب پشته ریل پای
 یار و چارحه دست معلوم و نای
 بهیر است جرس چه درای
 غمی مالدار است و شکین گدای
 چو نبوغ چشمه حیات ست لای
 ولی چنگ چنگ ست و مزار نای
 عقیق و حصو و وایع پارسای
 و گرو تر اطاق و ان طاق نای
 شور ست ویل و بود ویل ای
 بود لودعی المی تیر سیرای

سزاوارت پاکیزہ اور خلوص و راستی

زهری بگش جهانقا تو سر روان
رخ تو بر فلک و لبر سی تان

رخ تو بر فلک و لبری تیان

گمبوی محبت این سحر او خوش برخوا

میں نے اپنے دل سے کہا کہ میں اس کے لئے کچھ کر سکتا ہوں۔

م ۱ م ۲ م ۳ م ۴ م ۵ م ۶ م ۷ م ۸ م ۹ م ۱۰ م ۱۱ م ۱۲ م ۱۳ م ۱۴ م ۱۵ م ۱۶ م ۱۷ م ۱۸ م ۱۹ م ۲۰ م ۲۱ م ۲۲ م ۲۳ م ۲۴ م ۲۵ م ۲۶ م ۲۷ م ۲۸ م ۲۹ م ۳۰ م ۳۱ م ۳۲ م ۳۳ م ۳۴ م ۳۵ م ۳۶ م ۳۷ م ۳۸ م ۳۹ م ۴۰ م ۴۱ م ۴۲ م ۴۳ م ۴۴ م ۴۵ م ۴۶ م ۴۷ م ۴۸ م ۴۹ م ۵۰ م ۵۱ م ۵۲ م ۵۳ م ۵۴ م ۵۵ م ۵۶ م ۵۷ م ۵۸ م ۵۹ م ۶۰ م ۶۱ م ۶۲ م ۶۳ م ۶۴ م ۶۵ م ۶۶ م ۶۷ م ۶۸ م ۶۹ م ۷۰ م ۷۱ م ۷۲ م ۷۳ م ۷۴ م ۷۵ م ۷۶ م ۷۷ م ۷۸ م ۷۹ م ۸۰ م ۸۱ م ۸۲ م ۸۳ م ۸۴ م ۸۵ م ۸۶ م ۸۷ م ۸۸ م ۸۹ م ۹۰ م ۹۱ م ۹۲ م ۹۳ م ۹۴ م ۹۵ م ۹۶ م ۹۷ م ۹۸ م ۹۹ م ۱۰۰ م

بین یم ورجاج المیہ معدن

حلی ست نور و عالی ایران

مجن جنہ سپر سہم تیر و قوس کمان

وہی کہند ولی نصل و معیلہ کا

کلمہ خستگی و موت گم و مرہ و نال

فراغتہ ہوئے زور کے سو خوش زبان

سواء ولائاً منافع متناهیاتی

مجلس شورای اسلامی

ع بقیع اول و دوم

و شریک احمد و معارض میرزا محمد

القطعة الثالثة في بحر الرمل المشتمل المحذوف

[illegible]

ای پیار کی بیانت پچھوسی دکر

فلا علم من فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

چند روز بعد سینه را که زانو می

مجلس ششمین

و من بعد از آنکه در این شهر رسید و در آنجا اقامت نمود و در آنجا در میان مردم بسیار شهرت یافت و در آنجا در میان مردم بسیار شهرت یافت و در آنجا در میان مردم بسیار شهرت یافت

میں نے اپنے دل سے کہا کہ میں نے اس کو
پہچان لیا ہے۔

پیش قدم و اسبابی که در این کتاب مذکور است

الحمد لله رب العالمين

ساز و نس و گاو و یوح و بیضا با

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند گنیدم و خداوند ازین خیران و محرم

مجلس اول

وہی ہے جس نے ان کو اپنا

نظام و ساطی ضعیف طره عروه و ساحل کران

وہ روزن عرفہ دروازہ است سیدہ

برجاسته سرور در قبه باز در شان

۱. ۴ سپین ۴ چن ۴

خجسته از رشک است نه خور و چون بگر

خیزد بحر ملال این قطعه را بر خوان نسیم

نویں جامہ مذاق و نری زاد قوت شہانہ

حضور مبارک حضرت مولانا خاں شاکر علی

مجلس

میں نے اس کے لئے دعا کی ہے کہ وہ جلد صحت یاب ہو۔

مجلس اول

۱۰۰

سام و عیسی و عیسیان و عیسی

زوج شوی و زوج زن با او

اصل شیخ و فرج شاخ و وزیر محمد صمد

فیل سب وقیہ سبھی ہمارا ہی ہے

عینہ دار النجی عرف و نام معلول

نیز در حاره کلامه وان تجارت بنزیر

مکه کوچه درب دروازه ست معبر گذر

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
لنا حكمة

۱۰۲

[illegible]

چو طبع و مورد زینت از اک تمطید ان
 در لباده بود مال پر نسا و لب
 شامه عطر بود بوی و بوی دان خونه
 تصایح است که قن چو دست یک
 رخصت شسته نس شو عین برنی
 عیان بیه کالم عرو و شب شهر دست
 مراح جای شتر زلف است جای
 عصیم دان چو علف خور واری

چو ابل شور و گز و شوک خار سد کیا
 پلاس مجلس بود زین آب عطار
 بدو قصر تو او در در کلاب شما
 تعاقب است که قن کنار بحر کنار
 ذلول رام دوس خفته و لطف سار
 قرام پرده قبار یک و یک نزار
 کناس ان و و جاران اهور و کفار
 علیه تو بره نشوار و جره چه نشوار

القطعة الخامسة في بحر المحبت المثنى

بریز در صدن سینه ای نه پر
 مفا عین فغان مفا عین فغان
 وریب در کن و حیم است خوش و ان
 رحم و رابت و ز بهان بود خشن و ان
 زکی است پاک و خنی مهربان خنی
 ملک فرشته ملک چرخ و شتری بر

ز بحر دلکش محبت بنینه ای
 بنوان ز بعدوی این قطعه نصابت
 ولید و طفل بچه ام و فالده مادر
 چنانکه صهر خسر والد و اب سید
 جلی پدر و نبی و رسول شهبس
 شهاب و کوب و دری و کج و کج

چو ابل شور و گز و شوک خار سد کیا
 پلاس مجلس بود زین آب عطار
 بدو قصر تو او در در کلاب شما
 تعاقب است که قن کنار بحر کنار
 ذلول رام دوس خفته و لطف سار
 قرام پرده قبار یک و یک نزار
 کناس ان و و جاران اهور و کفار
 علیه تو بره نشوار و جره چه نشوار
 بریز در صدن سینه ای نه پر
 مفا عین فغان مفا عین فغان
 وریب در کن و حیم است خوش و ان
 رحم و رابت و ز بهان بود خشن و ان
 زکی است پاک و خنی مهربان خنی
 ملک فرشته ملک چرخ و شتری بر
 ز بحر دلکش محبت بنینه ای
 بنوان ز بعدوی این قطعه نصابت
 ولید و طفل بچه ام و فالده مادر
 چنانکه صهر خسر والد و اب سید
 جلی پدر و نبی و رسول شهبس
 شهاب و کوب و دری و کج و کج

فرخ و فروغ است چون بر چشم من
 اصغر و فاقه چو زار دست امیر قالی
 جندل و صحر و جویان جلد و جلوه
 جو فیض و جودش جوده کی جوده
 غنیمت زین بازیانت و غنیمت در اینها
 ظمیر و لایحه زنده دین و کتابت
 رازیانج با دیوان سکن خوش افزون
 با جراین سالار بازگان فاجرانج

چون غمناک و دروین این و کسری می رود
 هست خضر سیر واضح روشن از کبود
 هست حصان سگیزه را دای اسیر
 و عطر و شقایق و تحیت نند و همان درو
 چون غمناک و دروین این و کسری می رود
 هست خضر سیر واضح روشن از کبود
 هست حصان سگیزه را دای اسیر
 و عطر و شقایق و تحیت نند و همان درو

القطعة السابعة في بحر الحجة لمن المقصود

چو دل ز پرده عشاق برکشد آهنگ
مفاعلن فملائن مفاعلن فعلات
سعال سرفه وسعت شش آب است
بلال ماه نوبت و قمر و قمر
اشج شکسته سر و چینه ریش افرعل
قیل شکسته و عظم استخوان ضعیف کفایت

بهر محبت در خوان غزل بنویسد
 بگوی تا شودت عجل و دانش و رنگ
 قصیر گوید و واسع فراخ و ضیق تنگ
 شعاع اوز بهر و صیغ چه شکوفه و رنگ
 اسل و قطع بیدست و ان اعرج و رنگ
 چو قند و دلب و کز نور و ان و رنگ

[illegible]

القطعة العاشرة في بحر الخفيف المسدس المحذوف

ما هوزون واقف ساب لقا
 فاعلتن مفاعلن فعلن
 من وعن ازاله وسه تا
 في درست وعلی بروکم چند
 انا چون انسه دانسین
 ایتهم وکم سما وذا این مرو
 ان دلوگرتی سکه ولانه
 فیس و قبل پیش و بعد پس
 صه مگویم مکن دوع و فرمان
 فمی و هندی دنده این زن
 ملک ان زن چو ذلک ست آنرو
 غیر جز قطا هرگز اینها نبر
 ندو مند و از ان زمان باز است
 مهلا آهسته باش و آه خوش

وزن بحر خفيف ست ازا
 کفتم این بیت دان و خوان بلا
 این کو کیت چون ام و او
 سخن و نا انشا و انا ما
 ما چه من که هر که تو مع با
 است و است زن و سله نهنا
 ایما چو بیت ما هر با
 ل مروسته مرالب ما را
 لم و لسانه و بهلم با
 مرد را فدا و ذاک هم با
 شم انجا و هس اینجا
 ربه و در بسا و رب بسا
 ایما و ایه دور شوبه را
 قلا اند کا و کج نیکا

فوق هذا
 لک و هوزون واقف ساب لقا
 فاعلتن مفاعلن فعلن
 من وعن ازاله وسه تا
 في درست وعلی بروکم چند
 انا چون انسه دانسین
 ایتهم وکم سما وذا این مرو
 ان دلوگرتی سکه ولانه
 فیس و قبل پیش و بعد پس
 صه مگویم مکن دوع و فرمان
 فمی و هندی دنده این زن
 ملک ان زن چو ذلک ست آنرو
 غیر جز قطا هرگز اینها نبر
 ندو مند و از ان زمان باز است
 مهلا آهسته باش و آه خوش

رہی جال تو امروز بہ زدی و پریر

مفاعیلین فاعلاتین مفاعیلین فاعلات

ساز و بابل و ماسل و شجاع و غیره

م

۴

ع ن ع

سجی پور برہم پور سناہ و واسطہ

چرا خدنگ تو آمد بسینه ویریدیر

گہوی و محبت و مفکرن ششم سروریم

شعر و صبر و کمان است و جانش و غنچ

۱۱) ۱۲) ۱۳)

۱۴) ۱۵) ۱۶)

۱۷) ۱۸) ۱۹)

۲۰) ۲۱) ۲۲)

۲۳) ۲۴) ۲۵)

۲۶) ۲۷) ۲۸)

۲۹) ۳۰) ۳۱)

۳۲) ۳۳) ۳۴)

۳۵) ۳۶) ۳۷)

۳۸) ۳۹) ۴۰)

۴۱) ۴۲) ۴۳)

۴۴) ۴۵) ۴۶)

۴۷) ۴۸) ۴۹)

۵۰) ۵۱) ۵۲)

۵۳) ۵۴) ۵۵)

۵۶) ۵۷) ۵۸)

۵۹) ۶۰) ۶۱)

۶۲) ۶۳) ۶۴)

۶۵) ۶۶) ۶۷)

۶۸) ۶۹) ۷۰)

۷۱) ۷۲) ۷۳)

۷۴) ۷۵) ۷۶)

۷۷) ۷۸) ۷۹)

۸۰) ۸۱) ۸۲)

۸۳) ۸۴) ۸۵)

۸۶) ۸۷) ۸۸)

۸۹) ۹۰) ۹۱)

۹۲) ۹۳) ۹۴)

۹۵) ۹۶) ۹۷)

۹۸) ۹۹) ۱۰۰)

[illegible]

٤٠٠

سپار بر سر و احاطه علیه بر دهن

القطعة الرابعة عشرة في بحر المنزج الرباعي

گل غنچه ز شرم و دہشت دست

مفعول مفاعلين مفاعيلين فاع

بصورت و عفت و زینت چهارم و قس

الحمد لله الذي هدانا لهذا

مفتی محمد رفیع الدین صاحب دہلی

سورہ طہ میں حکایتیں

بہ جهت ہی کہ پال بود و مدہ

بسم الله الرحمن الرحيم

وز ذکر لعبت و امن گل پر عطر است

بحر ہرج اینست گر اندک فکرت

اشہارہ حسرت و حجاب

جزء من كتاب

...

۱۲۰

این بحر هرج و مان و جوان با

بدعائمه و خدیجه

میمنہ صغیر سودہ ام سلمہ

[illegible][illegible]

[illegible]

علم و عالم و علام و اداوسی و توان
 بیاد و ابل و سی و دربار و مظار و ان
 نشاء و صیف و شبه و مستان و ایتان
 و تاق و کل و نیک و حسین و حسن و حسن
 خنری و روانی و ناکس و نضی و نغری و ان
 یسعیان و مخران و مریان و مکر و کان
 جدر و شمع و قع و خالف و ق و ایت و ایت
 سفن و یوان و کد و شیر و جدر و شیر و شیر
 اقط و نو و ادا و ارق و بن و نو و کران
 ق و شادی و مسرت و خال و فرج و شادی
 و ن و ن و ایت و بازی و ایت و ن و ایت
 خف و ن و خضر و ن و صیاح و ن و ایت
 زک و کف و ن و ن و ن و ن و ن و ن و ن
 چوب و د و ایت و لوب و و و و و و و و و
 چوبان و ن و ن و ن و ن و ن و ن و ن و ن

[illegible]

نشین گنبدی که گفت هم بخوبی بدان شد
حصان است و فکند و نعل شمع آبی را

القطعة الحادية والثلاثون في سجد الرحمة والسلام

ای ماه روی مکنی وی لبشیرینان
خوشید رویانرا شد ذکر لبش مردمان

مستغفل مستغفل مستغفل مستغفل
انست قطع خبر بر خوان چو بلبل خروشان

طوبی و طویل طود و عظم کوه سب حارث پاسبان
طرم و عمل روی شهرت شمعانی را گنج

میزان از محل بار و فروری بود

نور و مسکاک و خوشبو و اطران و روغن و کافور

[illegible][illegible][illegible][illegible]

طاهر بران طاهر بران طاهر بران طاهر بران طاهر بران

مع ورفیق و دوام و رفقا است
طالع بیهوشه کلید بحیث کلید راعی بیان

الحی وضاالت، کمربی بغض و عدوت و
تلمعاً جت و ان بی بیان بیان آینه

القطعة الثانية والثلاثون في بحر المضارع من المفعول

می سپید گوشت دولت بر چو خاگشت جان در هوای ملل تن خون بست ز محبت

[illegible]

2

مفعول فاعلات مساعیل فاعلات
 نیز آب نادران و ندامت و درخت
 کل و جمیع و قاطبه و جمله و ان همه
 فیض سبب شود و قد شیر بادریک
 قاجار و سلق و حقیر جزرگز
 خدعه فریب و شیرکب و جمال زینب
 ماه شب چهارده بدرست و شیش

این بحر را متابعان و ان ای سبکست
 چون آتچا ناه و ملک شه شیر سخت
 شطرنج نصف و مجرور و بعض
 واکد و دقرع تراوشد و سخت
 نفع بود و است اثاث و متاع و
 ز می و لباس کسوت چون چرخ
 باله است مسایه فی بود و با تاج

لقطه الثالثه والثلاثون فی بحر الخفیف المسدس المجد

بی خط رشک شک تا تازی
 فاعلاتن مفاعلن فعلن
 سکرسته و صحوه شیری
 جرم و سق و متین محکم
 نه من و و هیست و نستی لیک
 بهال و ضراعت ست و خزع
 نسیم و حلقه و پین سوکند

ذوق بحر خفیف گداز س
 گوئی چون بلبان گلزاری
 نصر خون و مطا هرت یاری
 مظلوم و دواج و مدلم تارسته
 ذل و ذلت هوان و هون خواری
 استکانت نصیر و زاری
 ذمی و ایل و نه ز نهاری

در این بحر را متابعان و ان ای سبکست
 چون آتچا ناه و ملک شه شیر سخت
 شطرنج نصف و مجرور و بعض
 واکد و دقرع تراوشد و سخت
 نفع بود و است اثاث و متاع و
 ز می و لباس کسوت چون چرخ
 باله است مسایه فی بود و با تاج
 لقطه الثالثه والثلاثون فی بحر الخفیف المسدس المجد
 بی خط رشک شک تا تازی
 فاعلاتن مفاعلن فعلن
 سکرسته و صحوه شیری
 جرم و سق و متین محکم
 نه من و و هیست و نستی لیک
 بهال و ضراعت ست و خزع
 نسیم و حلقه و پین سوکند
 ذوق بحر خفیف گداز س
 گوئی چون بلبان گلزاری
 نصر خون و مطا هرت یاری
 مظلوم و دواج و مدلم تارسته
 ذل و ذلت هوان و هون خواری
 استکانت نصیر و زاری
 ذمی و ایل و نه ز نهاری

یابن و حوران قنوطا نوید است قریب کے قضا عہ سب اسے ضرب و چلہ سیت عہ و ہر روز	چون تطل ابطال بکار ہے حرفہ پیشہ حری مسزاداری ترک ارباق و ہنس دوی ماری
---	---

القطعة الرابعة والثلاثون في بحر المزج الحسن السالم

زہی دل بردہ اگر نثار و ریت بر چکا سنا عیلین نفاعیلین نفاعیلین وقوف و عہد میں شہ و قلم و قلم و قلم عسار و کنت چون من قمر و عیالین ترہ ضغن و ضغنہ اخنہ و قند و حق کینہ الی نعمت ضرر زحمت بلا ہم نعمت و در	شدہ دیوانہ زنجیر زلفت و نقل و سودا بنو الی بن قطع و بر کزج اسی نوید بکا نار و خلمہ انجہی حوہ و حوہ و حوہ مخایم و مکایل کیلیا قیلو کہ بیرانی میسرہ فارہ نافہ طاقت و قدرت و توانا کسان کن عطا پوشش فضیحت و فضا
--	---

القطعة الخامسة والثلاثون في بحر المضارع الحسن الانحراب الخ

ای مشک تور تم زودہ بر صفحہ قمر مفعول فاعلان مفعول فاعلان اریل و سفرہ مخدی و شکر و دوان خشنیر و حک و دس و شکر و دوان	جست از رخ و لب و دل بیا کلشکر بحر مضارع آمدہ این بحر گیسو پولادایت ضدش اسکا فکشتگر تسخیر و قفس کشش و شاک چون شاک
--	---

یابن و حوران قنوطا نوید است
قریب کے قضا عہ سب اسے
ضرب و چلہ سیت عہ و ہر روز
چون تطل ابطال بکار ہے
حرفہ پیشہ حری مسزاداری
ترک ارباق و ہنس دوی ماری
شدہ دیوانہ زنجیر زلفت و نقل و سودا
بنو الی بن قطع و بر کزج اسی نوید بکا
نار و خلمہ انجہی حوہ و حوہ و حوہ
مخایم و مکایل کیلیا قیلو کہ بیرانی
میسرہ فارہ نافہ طاقت و قدرت و توانا
کسان کن عطا پوشش فضیحت و فضا
جست از رخ و لب و دل بیا کلشکر
بحر مضارع آمدہ این بحر گیسو
پولادایت ضدش اسکا فکشتگر
تسخیر و قفس کشش و شاک چون شاک

شکرست و نوح و کس کین اندرون او
 خصیصه است و خایه عانه ز بار است
 کا بوش دان سکاچه و صا غوطه
 سنان و سنج و جد و فصله را
 زرق خیک و نخی مشک و قریه غصام
 خدان لیا و مسقه حج ایچو حوق
 مسواقه پنج شعله ز دست و سر کلند

مهل دانهش قبله زب و ایر نر
 نذر خاک سینه و راعه تارک
 جاشوم نند و متاک پرده
 در و شربت و عطن و موز و کجور
 شین مشک کنه باشد و صرام چرگر
 مسحا و پیل و همسه مالیه قطع
 باشد شریف ز نیر و کار برگر

القطعة السادسة والثلاثون في بحر المضارع المثنى المقصور

ای جانن ز ناوک چشم تو گشته ریش
 منقول فاعلات مفاعیل فاعلات
 عقب چه کرد دست محمد بن
 اعصار کرد و با چه نکبار کرد و شمال
 نمی تب صدای و فواد و کباد است
 طهرت پشت و بطن شکم و قرون
 حانوت چون و کان شد و حلیت

بر دل محبت ز بلای غم تو نیش
 این بحر شد مضارع سازش بود و خوش
 جعبه جعبه و فضا بود چون کنایه
 ضد جنوب بمحو صبا پس بود و شین
 در و سر دل و جگر و جرج و جرجش
 الیه نعامه و نپ و شرمخ و نجیب
 باشد غری سر شیم و شرط و دلق سریش

است و در و شربت و عطن و موز و کجور
 شین مشک کنه باشد و صرام چرگر
 مسحا و پیل و همسه مالیه قطع
 باشد شریف ز نیر و کار برگر
 این بحر شد مضارع سازش بود و خوش
 جعبه جعبه و فضا بود چون کنایه
 ضد جنوب بمحو صبا پس بود و شین
 در و سر دل و جگر و جرج و جرجش
 الیه نعامه و نپ و شرمخ و نجیب
 باشد غری سر شیم و شرط و دلق سریش

طلق و خاص و زده و خیل شیر حل
 وضع آن بجه که آخر طهرش بود علو
 طبوخ پنجه مغرقه کفگیر فوری
 شست شانه دلق کهن مناسه
 سطرست و زبر و رقم خط منفرجه کتاب
 منجات زنده باشد و منقلا سکنه
 بسیار چه تر از وی زرد سیخ عم عمود

ام الدماغ جایی وی و تحفه کلمه
غشایست سر مغز و در میان ۱۲
اجزای خورشیدی جدی لفظ ابله
کرم خدایست در کرم ۱۲
تین کلمه باز گونه بیاید لفظ ابله
کرم خدایست در کرم ۱۲
الفیه و یک پای و خنجر ۱۲
مرط و کسا کلیم بودار بعین جمله
نقشیر و حجت کافین و محض مسئله
مستحب نه سرک چه بود و ام و فحش
شامین و فلس و کفه چه باشد بل و کلمه

القطعة التاسعة والثلاثون في بحر المجتث الثمن المحذوف

ز نور عارض تو چشم راست ضیا
 مفاعلن فطالتن مفاعلن فعلن
 اریکست و انبار و آن چو طرف دعا
 نمیر آب گوارنده و آن و ازرق صبا
 غدیر چه گواهی بدشت و قطره یل
 جباب کونیه باشد و آح آب معفن

ز تاب خورشید نور دل گهر کجاست
دوان ۱۲
بهر محبت این نظم خوان صبح و سحر
چری دلبر و مرض خشکی عرض کن
تد غدق کم و بیش و حصاره دای
عمیق شرف بود نه جوی و نول
نقص راکد و رقص طعن رسن جو

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲

رخ نام سنگ سونبله سنگ تنجی
 که سنگ سمرقند طاقچه است و جا
 سیاه کا بگل است و صغور
 امام چه زره راز و رازوان نبی
 صمیل بانگ و فصل بیت بانگ
 تیاج بانگ سنگ بانگ گریه
 صنایع بانگ روبرو عواید بانگ

القطعة الاربعون في بحر القاراب المسمى المخذوف

ز سہ طبع تو درج درج
فعلون فعلون فعلون
وجیزہ ملخص بود مختصر
کاین دکا دکا ^{بدلتا} دکا

گرت ہست زین بحر موزون خبر
تو این بحر دلکش تقارب شمر
سوی جز نعم آری الا کرم
و کی یعنی کم اندر خبر

القطعة الحادية والأربعون في سحر تخفيف المسدس المحذوف

بجمع حسن و ناز عشوه نژاد
فا علائن مفاعلن فصلن

رَشَكْ چَانانِ عالمِ اِجْبَادِ
کُن بِحُبِّ خَفِيفِ دِلِ رَا شَادِ

ح	عربی
ف	فارسی
س	سینا فی زبان
ت	ترکی
پ	پراچی
ق	قلمحات
م	مفسر
ب	عرب
ر	ریح
خ	خریف
ش	شنا
ص	صیف
ہ	ہندی
ج	جمع

[illegible]

عجرت و درک چور و سرین
ناس و انس و اناس آدمیان
خس و کا هو و سحر آدیشان
موز در آس و تر سر را خاص
قنولیسرت و طلع با ترتیب

مجلس اول در بیان احوال و مشیقه و مذهب
و کتب و اشعار و آداب و عادات و
آدم و حوا
می نویسند و روح را خلق
طبیعه و شایسته است راقب کلیه
عمر بشدنی مقدمات
خوشه غوره که شکوفه خرم

القطعة الثالثة والاربعون في سحر الملأشمن المحذوف

یافت از شمع جالوت نور چشم باده
فا علالت فا علالت فا علالت فا علالت
هست منظر روی و مراة و چهل اسم
عجیر و ناهق ز خربت اما انان باده
چون اکاف است ولیع بر رویه لایان
گزارند ۱۲

خبر و بیان جهان گردی و سفرنامه
خیز در بل بر نوحان بصوت تیره
هست عیشی سنگی موی آن حلاق
عجل گو ساه ولیکن حسن تو خیره
سقا و فاسارست و فحشاء و علف
و کلام صاحب بیان گوید

فاسطاط

الحمد لله المنة که کتاب نصاب الصبیان از تصنیفات ملا ابو نصر فرہانی یار و هم یار و کشور طبع شد
مطابق با روز یکشنبه ۱۳۰۰ در مطبع نشانی از کشور طبع شد

012f
30

8915012f

This book is due on the date
last stamped. A fine of 1 anna
will be charged for each day the
book is kept over time.

Dr.

١٢٢
٣

٨٩١٥١٢٣

٥٢٠

لصاحب البيان

DATE	NO.	DATE	NO.
	١٥٦		